



اصطلاحات و عبارات کاربردی هندی

سطح متوسط تا پیشرفته

فلش کارت‌های رنگی برای یادگیری ماندگار

CharbZaban.com تهیه شده توسط چرب زبان

اصطلاحات تصویری و استعاری

کارت 01

जब जागो तब सवेरा

تلفظ: जब जागो तब सवेरा

معنی: هیچ وقت برای شروع دیر نیست

کاربرد: برای دلگرمی دادن پس از یک شروع دیرهنگام

مثال: गलती समझ में आ गई? जब जागो तब सवेरा।

ترجمه: اشتباهت را فهمیدی؟ هیچ وقت برای شروع دیر نیست

کارت 02

नाच न जाने आँगन टेढ़ा

تلفظ: नाच ना जाने, अंगान तेढ़ा

معنی: رقص بلد نیست، حیاط را کج می داند

کاربرد: وقتی کسی تقصیر ناتوانی خودش را گردن شرایط می اندازد

مثال: वह तैयारी नहीं करता और बहाने बनाता है—नाच न जाने आँगन टेढ़ा।

ترجمه: درس نمی خواند و بهانه می آورد؛ رقص بلد نیست، حیاط را کج می داند

کارت 03

उल्टा चोर कोतवाल को डाँटे

تلفظ: उल्टा चोर कोतवाल को डाँटे

معنی: دزد، پلیس را سرزنش می کند

کاربرد: برای کسی که بعد از خطا، طلبکار می شود

مثال: गलती उसी की थी, फिर भी वह मुझे डाँटने लगा—उल्टा चोर कोतवाल को डाँटे!

ترجمه: اشتباه از خودش بود، اما مرا سرزنش کرد؛ دزد، پلیس را سرزنش می کند

کارت 04

दूध का जला छाछ भी फूँक कर पीता है

تلفظ: दूध का जला छाछ भी फूँक कर पीता है

معنی: کسی که از شیر سوخته، ماست را هم فوت می کند

کاربرد: پس از تجربه بد، بیش از حد محتاط شدن

مثال: एक बार ठगा गया, अब हर सौदा जाँचता है—दूध का जला छाछ भी फूँक कर पीता है।

ترجمه: یکبار فریب خورد و حالا هر معامله ای را بررسی می کند

احساسات، واکنش‌ها و روابط

کارت 05

जैसी करनी वैसी भरनी

تلفظ: جایی کارنی وایسی بارنی

معنی: هرچه بکاری همان را درو می‌کنی

.کاربرد: پیامد طبیعی رفتار خوب یا بد

مثال: उसने सबकी मदद की, इसलिए सब उसके साथ हैं—
जैसी करनी वैसी भरनी।ترجمه: به همه کمک کرد، پس همه کنارش هستند؛ هرچه بکاری
همان را درو می‌کنی.

کارت 06

अब पछताए होत क्या जब
चिड़िया चुग गई खेतتلفظ: اب پاچتایه هوت کیا جاب چیدیا چوگ
گایی خهتمعنی: بعد از خراب شدن کشتزار، پشیمانی چه
سودی دارد؟

.کاربرد: وقتی فرصت از دست رفته و پشیمانی بی‌فایده است

مثال: फॉर्म जमा करने की आखिरी तारीख निकल गई—अब
पछताए होत क्या।

ترجمه: مهلت تحویل فرم تمام شد؛ دیگر پشیمانی سودی ندارد

کارت 07

ऊँट के मुँह में जीरा

تلفظ: ونت که مونه مهین جیرا

معنی: یک دانه زیره در دهان شتر

.کاربرد: مقدار بسیار کم در برابر نیاز بزرگ

مثال: इतने बड़े प्रोजेक्ट के लिए यह बजट ऊँट के मुँह में जीरा
है।

ترجمه: برای چنین پروژه بزرگی، این بودجه قطره‌ای بیش نیست

کارت 08

अधजल गगरी छलकत जाए

تلفظ: ادجال گاگری چالاکات جایه

معنی: ظرف نیمه پر بیشتر می‌ریزد

.کاربرد: آدم کم‌دانش معمولاً بیشتر فخر فروشی می‌کند

مثال: वह विषय नहीं जानता, फिर भी सबसे ज़्यादा बोलता है
—अधजल गगरी छलकत जाए।

ترجمه: موضوع را نمی‌داند، اما از همه بیشتر حرف می‌زند

کار، تلاش و موفقیت

کارت 09

आँखों में धूल झोंकना

تلفظ: انخون مهین دول جهونکنا

معنی: خاک در چشم پاشیدن

کاربرد: فریب دادن یا حقیقت را پنهان کردن

مثال: विज्ञापन ने ग्राहकों की आँखों में धूल झोंक दी।

ترجمه: تبلیغ، مشتری‌ها را فریب داد

کارت 10

आँखें चुराना

تلفظ: انخهن چورانا

معنی: چشم دزدیدن

کاربرد: از روبه‌رو شدن با کسی یا موضوعی طفره رفتن

مثال: रिपोर्ट देर से देने पर वह बॉस से आँखें चुराने लगा।

ترجمه: چون گزارش را دیر تحویل داده بود، از رئیس دوری می‌کرد

کارت 11

आँखों का तारा

تلفظ: انخون کا تارا

معنی: ستاره چشم‌ها

کاربرد: فرد بسیار عزیز و محبوب

مثال: छोटी बेटी अपने दादा की आँखों का तारा है।

ترجمه: دختر کوچک، عزیزدردانه پدری‌زگرش است

کارت 12

मुँह मीठा करना

تلفظ: مونه میتا کارنا

معنی: دهان را شیرین کردن

کاربرد: برای جشن گرفتن خبر خوب، شیرینی پخش کردن

مثال: नौकरी लगने की खुशी में सबका मुँह मीठा करो।

ترجمه: برای قبولی در شغل، به همه شیرینی بده

احتیاط، شکست و پیروزی

کارت 13

مুँह में पानी आना

تلفظ: مونه مهین پانی انا

معنی: آب در دهان جمع شدن

کاربرد: خیلی هوس غذای خوشمزه کردن

مثال: गरम समोसे देखकर मेरे मुँह में पानी आ गया।

ترجمه: با دیدن سمبوسه داغ، آب دهانم راه افتاد

کارت 14

दाँतों तले उँगली दबाना

تلفظ: دانتون تاله ونگلی دابانا

معنی: انگشت زیر دندان گذاشتن

کاربرد: از شدت شگفتی مات ماندن

مثال: कलाकार की बारीकी देखकर सबने दाँतों तले उँगली दबा ली।

ترجمه: همه با دیدن ظرافت کار هنرمند شگفت زده شدند

کارت 15

बाल-बाल बचना

تلفظ: بال-بال باچنا

معنی: مو به مو جان سالم به در بردن

کاربرد: به سختی از خطر نجات یافتن

مثال: कार फिसली, लेकिन हम बाल-बाल बच गए।

ترجمه: ماشین لیز خورد، اما به سختی نجات پیدا کردیم

کارت 16

पेट में चूहे कूदना

تلفظ: پهت مهین چوهه کودنا

معنی: موشها در شکم جست و خیز می کنند

کاربرد: خیلی گرسنه بودن

مثال: नाश्ता नहीं किया, इसलिए पेट में चूहे कूद रहे हैं।

ترجمه: صبحانه نخورده ام و از گرسنگی دارم می میرم

اصطلاحات تصویری و استعاری

کارت 17

ਫੁੱਕ-ਫੁੱਕ کر कदम रखना

تلفظ: فونک-فونک کار کادام راخنا

معنی: با فوت کردن قدم برداشتن

کاربرد: بسیار محتاطانه عمل کردن

مثال: निवेश से पहले वह फुँक-फुँक कर कदम रखता है।

ترجمه: پیش از سرمایه‌گذاری خیلی محتاطانه عمل می‌کند

کارت 18

कमर कसना

تلفظ: کامار کاسنا

معنی: کمر را محکم بستن

کاربرد: خود را برای کار دشوار آماده کردن

مثال: परीक्षा पास करनी है तो कमर कस लो।

ترجمه: اگر می‌خواهی در امتحان قبول شوی، آماده باش

کارت 19

जान पर खेलना

تلفظ: جان پار خهلنا

معنی: جان را به بازی گرفتن

کاربرد: با شجاعت و فداکاری خطر کردن

مثال: दमकलकर्मि ने जान पर खेलकर बच्चे को बचाया।

ترجمه: آتش‌نشان با فداکاری کودک را نجات داد

کارت 20

हवा से बातें करना

تلفظ: هاوا سه باتهین کارنا

معنی: با باد حرف زدن

کاربرد: با سرعت بسیار زیاد حرکت کردن

مثال: नई ट्रेन हवा से बातें करती हुई निकल गई।

ترجمه: قطار جدید با سرعت زیادی عبور کرد

احساسات، واکنش‌ها و روابط

کارت 21

नाक कटना

تلفظ: ناک کاتنا

معنی: بینی بریده شدن

کاربرد: آبرویش رفتن یا باعث شرمندگی شدن

مثال: झूठ पकड़े जाने पर परिवार की नाक कट गई।

ترجمه: با فاش شدن دروغ، آبروی خانواده رفت

کارت 22

दाँत खट्टे करना

تلفظ: دانت خاتته کارنا

معنی: دندان‌ها را ترش کردن

کاربرد: حریف را سخت شکست دادن

مثال: हमारी टीम ने चैंपियन के दाँत खट्टे कर दिए।

ترجمه: تیم ما قهرمان را حسابی شکست داد

کارت 23

दम में दम आना

تلفظ: دام مهین دام انا

معنی: نفس به نفس آمدن

کاربرد: پس از رفع ترس یا فشار، آرام شدن

مثال: पुलिस के आने पर हमारे दम में दम आया।

ترجمه: با آمدن پلیس خیالم راحت شد

کارت 24

ईद का चाँद होना

تلفظ: هید کا چاند هونا

معنی: ماه عید شدن

کاربرد: خیلی کم دیده شدن

مثال: तुम तो ईद का चाँद हो गए हो!

ترجمه: خیلی است که پیدایت نیست

کار، تلاش و موفقیت

کارت 25

चकमा देना

تلفظ: چاکما دھنا

معنی: رد گم کردن

کاربرد: کسی را با زیرکی فریب دادن یا از دست او گریختن

مثال: चोर ने गार्ड को चकमा दे दिया।

ترجمه: دزد نگهبان را فریب داد و فرار کرد

کارت 26

पत्थर की लकीर

تلفظ: پاتتار کی لاکیر

معنی: خط روی سنگ

کاربرد: تصمیم یا حرفی تغییرناپذیر

مثال: उसका फैसला पत्थर की लकीर नहीं है।

ترجمه: تصمیم او وحی منزل نیست و قابل تغییر است

کارت 27

उल्टी गंगा बहना

تلفظ: ولتی گانگا بهنا

معنی: گنگا برعکس جریان داشتن

کاربرد: اتفاقی کاملاً غیرعادی رخ دادن

مثال: आज वह समय पर आया—उल्टी गंगा बह रही है!

ترجمه: امروز سر وقت آمد؛ انگار دنیا وارونه شده است

کارت 28

ईट से ईट बजाना

تلفظ: ینت سه ینت باجانا

معنی: آجر روی آجر کوبیدن

کاربرد: به طور کامل ویران کردن یا شکست دادن

مثال: सेना ने दुश्मन की चौकी की ईट से ईट बजा दी।

ترجمه: ارتش پایگاه دشمن را کاملاً درهم کوبید

احتیاط، شکست و پیروزی

کارت 29

کلهजे पर पत्थर रखना

تلفظ: کالهجه پار پاتتار راخنا

معنی: سنگ روی دل گذاشتن

کاربرد: با وجود ناراحتی، تصمیم سختی گرفتن

مثال: कलेजे पर पत्थर रखकर उसने शहर छोड़ दिया।

ترجمه: با سنگ گذاشتن روی دلش، شهر را ترک کرد

کارت 30

नौ दो ग्यारह होना

تلفظ: ناو دو گیاراه هونا

معنی: نه، دو، یازده شدن

کاربرد: سریع فرار کردن

مثال: पुलिस को देखते ही जेबकतरा नौ दो ग्यारह हो गया।

ترجمه: جیب‌بر تا پلیس را دید، فرار کرد

کارت 31

रंगे हाथ पकड़ा जाना

تلفظ: رانگه هات پاکدا جانا

معنی: با دست‌های رنگی گرفتار شدن

کاربرد: حین انجام کار خلاف دستگیر شدن

مثال: चोर रंगे हाथ पकड़ा गया।

ترجمه: دزد حین دزدی دستگیر شد

کارت 32

खून-पसीना एक करना

تلفظ: خون-پاسینا هک کارنا

معنی: خون و عرق را یکی کردن

کاربرد: با تلاش بسیار کار کردن

مثال: उसने यह सफलता पाने में खून-पसीना एक कर दिया।

ترجمه: برای رسیدن به این موفقیت بسیار زحمت کشید

اصطلاحات تصویری و استعاری

کارت 33

लोहे के चने चबाना

تلفظ: لوهه که چانه چابانا

معنی: نخود آهنی جویدن

کاربرد: با کار یا مشکل بسیار دشوار روبه‌رو شدن

مثال: इस परीक्षा को पास करना लोहे के चने चबाने जैसा है।

ترجمه: قبولی در این امتحان مثل جویدن نخود آهنی است

کارت 34

सिर पर कफ़न बाँधना

تلفظ: سیر پار کافان باندنا

معنی: کفن بر سر بستن

کاربرد: با آمادگی کامل برای خطر پیش رفتن

مثال: स्वतंत्रता सेनानियों ने सिर पर कफ़न बाँध लिया था।

ترجمه: مبارزان آزادی آمادۀ فداکاری کامل بودند

کارت 35

राई का पहाड़ बनाना

تلفظ: رای کا پهاڈ بانانا

معنی: از دانه خردل کوه ساختن

کاربرد: مسئله کوچک را بیش از حد بزرگ کردن

مثال: छोटी-सी बात का राई का पहाड़ मत बनाओ।

ترجمه: از یک موضوع کوچک کوه نساز

کارت 36

चार चाँद लगाना

تلفظ: چار چاند لاگانا

معنی: چهار ماه اضافه کردن

کاربرد: زیبایی یا شکوه چیزی را بیشتر کردن

مثال: तुम्हारी प्रस्तुति ने कार्यक्रम में चार चाँद लगा दिए।

ترجمه: ارائه تو به برنامه جلوه ویژه‌ای داد

احساسات، واکنش‌ها و روابط

کارت 37

सोने पर सुहागा

تلفظ: سونه پار سوهاگا

معنی: طلای روی طلا

کاربرد: چیزی خوب که بهتر هم می‌شود

مثال: अच्छी नौकरी और घर पास में—सोने पर सुहागा!

ترجمه: هم شغل خوب، هم خانه نزدیک؛ بهتر از این نمی‌شود

کارت 38

नौ दिन चले अढ़ाई कोस

تلفظ: ناو دین چاله ادای کوس

معنی: نه روز راه رفتن و دو و نیم کُس پیمودن

کاربرد: پیشرفت بسیار کند

مثال: इस प्रोजेक्ट की रफ्तार नौ दिन चले अढ़ाई कोस जैसी है।

ترجمه: سرعت این پروژه فوق‌العاده کند است

کارت 39

घर की मुर्गी दाल बराबर

تلفظ: غار کی مورگی دال بارابار

معنی: مرغ خانه برابر عدس است

کاربرد: چیز آشنا را کم‌ارزش شمردن

مثال: वह अपने भाई की सलाह नहीं मानता—घर की मुर्गी दाल बराबर।

ترجمه: چون برادرش است، قدر توصیه‌اش را نمی‌داند

کارت 40

एक तीर से दो शिकार

تلفظ: هک تیر سه دو شیکار

معنی: با یک تیر دو شکار

کاربرد: با یک اقدام به دو هدف رسیدن

مثال: साइकिल से जाना व्यायाम भी है और पैसे भी बचेंगे—एक तीर से दो शिकार।

ترجمه: دوچرخه‌سواری هم ورزش است هم صرفه‌جویی؛ با یک تیر دو نشان

کار، تلاش و موفقیت

کارت 41

आसमान से गिरा, खजूर में अटका

تلفظ: اسمان سه گیرا، خاجور مهین اتکا

معنی: از آسمان افتاد و به نخل گیر کرد

کاربرد: از یک مشکل به مشکل دیگری افتادن

مثال: नौकरी गई और फिर बीमारी हो गई—आसमान से गिरा, खजूर में अटका।

ترجمه: کارش را از دست داد و بعد بیمار شد؛ از چاله به چاه افتاد.

کارت 42

मन के लड्डू खाना

تلفظ: مان که لادو خانا

معنی: لدوهای ذهنی خوردن

کاربرد: در خیال خود موفقیت را قطعی دانستن

مثال: नतीजा आने से पहले मन के लड्डू मत खाओ।

ترجمه: پیش از اعلام نتیجه، در خیال جشن نگیر

کارت 43

हाथ पर हाथ धरे बैठना

تلفظ: هات پار هات داره بایتنا

معنی: دست روی دست گذاشتن

کاربرد: بی عمل نشستن و کاری نکردن

مثال: समस्या बढ़ रही है और तुम हाथ पर हाथ धरे बैठे हो।

ترجمه: مشکل بزرگتر می شود و تو دست روی دست گذاشته ای

کارت 44

रंग में भंग पड़ना

تلفظ: رانگ مهین بانگ پادنا

معنی: در رنگ، بنگ افتادن

کاربرد: خراب شدن حال و هوای خوب به دلیل اتفاقی ناگوار

مثال: बारिश ने पिकनिक के रंग में भंग डाल दिया।

ترجمه: باران حال پیکنیک را خراب کرد

احتیاط، شکست و پیروزی

کارت 45

पानी-पानी होना

تلفظ: پانی-پانی هونا

معنی: آب شدن از شرم

کاربرد: بسیار خجالت زده شدن

مثال: सबके सामने डाँट पड़ने पर वह पानी-पानी हो गया।

ترجمه: جلوی همه که تویخ شد، از خجالت آب شد

کارت 46

बात का बतंगड़ बनाना

تلفظ: بات کا باتانگاد بانانا

معنی: از حرف، بادبادک ساختن

کاربرد: موضوع کوچک را بی جهت کش دادن

مثال: एक गलती का बतंगड़ मत बनाओ।

ترجمه: یک اشتباه را بی جهت بزرگ نکن

کارت 47

दाल में कुछ काला है

تلفظ: دال مهین کوچ کالا های

معنی: چیزی سیاه در عدس هست

کاربرد: به چیزی مشکوک بودن

مثال: वह अचानक इतना उदार क्यों है? दाल में कुछ काला है।

ترجمه: چرا ناگهان این قدر سخاوتمند شده؟ یک جای کار می لنگد

کارت 48

अपना उल्लू सीधा करना

تلفظ: اپنا وللو سیدا کارنا

معنی: جغد خود را صاف کردن

کاربرد: فقط منفعت شخصی خود را دنبال کردن

مثال: वह हर बातचीत में अपना उल्लू सीधा करता है।

ترجمه: در هر گفت و گو فقط دنبال منفعت خودش است

اصطلاحات تصویری و استعاری

کارت 49

खून खौलना

تلفظ: خون خ

معنی: خون به جوش آمدن

کاربرد: بسیار خشمگین شدن

مثال: अन्याय देखकर मेरा खून खौल उठा।

ترجمه: با دیدن بی‌عدالتی، خونم به جوش آمد

کارت 50

दिल छोटा करना

تلفظ: دیل چوتا کارنا

معنی: دل را کوچک کردن

کاربرد: دلسرد یا ناامید شدن

مثال: एक असफलता से दिल छोटा मत करो।

ترجمه: با یک شکست دلسرد نشو

کارت 51

दिल पर लेना

تلفظ: دیل پار لھنا

معنی: به دل گرفتن

کاربرد: حرف یا رفتار را شخصی تلقی کردن

مثال: मेरी बात को दिल पर मत लेना।

ترجمه: حرفم را به دل نگیر

کارت 52

हाथ मलना

تلفظ: هات مالنا

معنی: دست مالیدن

کاربرد: از حسرت یا پشیمانی افسوس خوردن

مثال: मौका निकल गया, अब हाथ मलने से क्या फ़ायदा?

ترجمه: فرصت از دست رفت؛ حالا افسوس چه فایده‌ای دارد؟

احساسات، واکنش‌ها و روابط

کارت 53

रफूचक्कर होना

تلفظ: رافو-چاککار هونا

معنی: رفوچکر شدن

کاربرد: بی‌سروصدا ناپدید شدن یا فرار کردن

مثال: बिल आते ही वह रफूचक्कर हो गया।

ترجمه: همین که قبض آمد، بی‌سروصدا ناپدید شد

کارت 54

मुँह की खाना

تلفظ: مونه کی خانا

معنی: طعم شکست را چشیدن

کاربرد: شکست سخت خوردن

مثال: घमंड के कारण उसे प्रतियोगिता में मुँह की खानी पड़ी।

ترجمه: به‌خاطر غرورش در مسابقه شکست سختی خورد

کارت 55

सिर खपाना

تلفظ: سیر خایانا

معنی: سر را فرسوده کردن

کاربرد: برای حل مسئله خیلی فکر کردن

مثال: इस पहली पर मैंने घंटों सिर खपाया।

ترجمه: ساعت‌ها برای این معما فکر کردم

کارت 56

दाँतों में उँगली दबाना

تلفظ: دانتون مهین ونگلی دابانا

معنی: انگشت میان دندان‌ها گذاشتن

کاربرد: باور نکردن یا شگفت‌زده شدن

مثال: कीमत सुनकर उसने दाँतों में उँगली दबा ली।

ترجمه: با شنیدن قیمت، از تعجب خشک زد

کار، تلاش و موفقیت

کارت 57

अपनी खिचड़ी अलग पकाना

تلفظ: اپنی خیچدی الاگ پاکانا

معنی: آتش خود را جدا پختن

کاربرد: مستقل از گروه و بدون هماهنگی عمل کردن

مثال: सब साथ काम कर रहे थे, पर उसने अपनी खिचड़ी अलग पकाई।

ترجمه: همه گروهی کار می کردند، اما او ساز خودش را زد

کارت 58

आस्तीन का साँप

تلفظ: استین کا سانپ

معنی: مارِ آستین

کاربرد: فرد نزدیک اما خائن

مثال: जिसे दोस्त समझा, वही आस्तीन का साँप निकला।

ترجمه: کسی که دوست می پنداشت، خائن از آب درآمد

کارت 59

खिसियानी बिल्ली खंभा नोचे

تلفظ: خیسییانی بیللی خامبا نوچه

معنی: گربه شرمنده تیر را چنگ می زند

کاربرد: فرد شکست خورده از روی خجالت بهانه گیری می کند

مثال: हारकर वह नियमों को दोष दे रहा है—खिसियानी बिल्ली खंभा नोचे।

ترجمه: بعد از شکست، قوانین را مقصر می داند

کارت 60

जब तक साँस, तब तक आस

تلفظ: जब تاک سانس، تاب تاک اس

معنی: تا نفس هست، امید هست

کاربرد: تا وقتی زنده ایم باید امیدوار بمانیم

مثال: परिणाम अभी नहीं आया; जब तक साँस, तब तक आस।

ترجمه: نتیجه هنوز نیامده؛ تا نفس هست، امید هست

احتیاط، شکست و پیروزی

کارت 61

देर आए, दुरुस्त आए

تلفظ: دهر ایه, دوروست ایه

معنی: دیر آمد، درست آمد

کاربرد: رسیدن دیرهنگام اما با نتیجه خوب

مثال: वह देर से लौटा, मगर माफ़ी माँग ली—देर आए, दुरुस्त आए।

ترجمه: دیر برگشت، اما عذرخواهی کرد؛ دیر آمد، درست آمد

کارت 62

मन लगाना

تلفظ: مان لاگانا

معنی: دل گذاشتن

کاربرد: با تمرکز و علاقه مشغول کاری شدن

مثال: अगर मन लगाकर पढ़ोगे तो ज़रूर सफल होंगे।

ترجمه: اگر با تمرکز درس بخوانی، حتماً موفق می‌شوی

کارت 63

काम तमाम करना

تلفظ: کام تامام کارنا

معنی: کار را تمام کردن

کاربرد: کار را یکسره کردن؛ گاهی در لحن خشن، نابود کردن

مثال: आज यह रिपोर्ट काम तमाम कर देते हैं।

ترجمه: امروز کار این گزارش را یکسره کنیم

کارت 64

रास्ते का काँटा

تلفظ: راسته کا کانتا

معنی: خارِ راه

کاربرد: مانع آزاردهنده در مسیر

مثال: भ्रष्टाचार विकास के रास्ते का काँटा है।

ترجمه: فساد خارِ راه توسعه است

در برخورد رسمی، «آپ» محترمانه‌تر از «توم» است و درخواست مؤدبانه معمولاً با «کریپیا» یا «جی» نرم‌تر می‌شود.

आपसे मिलकर खुशी हुई

تلفظ: آپ‌سه میل‌کار خوشی هویی

معنی: از آشنایی با شما خوشحال شدم.

आप कैसे हैं?

تلفظ: آپ کیسه هین؟

معنی: حال شما چطور است؟

मैं ठीक हूँ, शुक्रिया

تلفظ: مَین تیک هون، شکریا

معنی: خوبم، ممنون.

कृपया बैठिए

تلفظ: کریپیا بیتیه

معنی: لطفاً بنشینید.

आपका नाम क्या है?

تلفظ: آپ‌کا نام کیا هَی؟

معنی: اسم شما چیست؟

मैं ईरान से आया हूँ

تلفظ: مَین ایران سه آیا هون

معنی: من از ایران آمده‌ام؛ گوینده مرد.

मैं ईरान से आई हूँ

تلفظ: مَین ایران سه آیی هون

معنی: من از ایران آمده‌ام؛ گوینده زن.

मुझे हिंदी थोड़ी आती है

تلفظ: موجه هیندی تهوڑی آتی هَی

معنی: کمی هندی بلدم.

धीरे बोलिए, कृपया

تلفظ: دهیره بولیه، کریپیا

معنی: لطفاً آهسته صحبت کنید.

क्या आप फिर से कहेंगे?

تلفظ: کیا آپ پھیر سه گہنگه؟

معنی: ممکن است دوباره بگویید؟

आपसे बात करके अच्छा लगा

تلفظ: آپ‌سه بات کرکه اچھا لگا

معنی: از صحبت با شما خوشحال شدم.

برای درخواست کمک از کارکنان فرودگاه از صورت محترمانه فعل استفاده کنید و نام مقصد را شمرده بگویید.

मेरा पासपोर्ट यह रहा

تلفظ: مرا پاسپورت یه رها

معنی: گذرنامه‌ام اینجا است.

मेरा सामान नहीं मिला

تلفظ: مرا سامان نهین میلا

معنی: چمدانم پیدا نشده است.

सामान कहाँ से मिलेगा?

تلفظ: سامان کُهان سه میلیگا؟

معنی: چمدان را از کجا تحویل بگیرم؟

मेरी उड़ान देर से है

تلفظ: مری اُران دیر سه هِی

معنی: پروازم تأخیر دارد.

अगली उड़ान कब है?

تلفظ: اگلی اُران کب هِی؟

معنی: پرواز بعدی چه زمانی است؟

मुझे खिड़की वाली सीट चाहिए

تلفظ: موجه کهیڑکی والی سیت چاهیه

معنی: صندلی کنار پنجره می‌خواهم.

प्रवेश द्वार कहाँ है?

تلفظ: پُرویش دوار کُهان هِی؟

معنی: در ورودی کجاست؟

मेरा वीजा तीस दिन का है

تلفظ: مرا ویزا تیس دین کا هِی

معنی: ویزایم سی‌روزه است.

मैं पर्यटन के लिए आया हूँ

تلفظ: مَین پَرِیْتَن که لیه آیا هون

معنی: برای گردشگری آمده‌ام.

मुझे सीमा शुल्क की जानकारी चाहिए

تلفظ: موجه سیما شوْلک کی جانکاری چاهیه

معنی: درباره مقررات گمرکی اطلاعات می‌خواهم.

कृपया मेरा पता लिख दीजिए

تلفظ: کریپیا مرا پتا لیکه دیجیه

معنی: لطفاً نشانی‌ام را یادداشت کنید.

پیش از حرکت، قیمت تقریبی، مقصد دقیق و استفاده از تاکسی متر را مشخص کنید تا سوء تفاهم کمتر شود.

यहाँ से स्टेशन कितनी दूर है?

تلفظ: یَہاں سہ اسٹیشن کیتنی دور ھی؟

معنی: ایستگاه از اینجا چقدر دور است؟

मुझे इस पते पर जाना है

تلفظ: موجه ایس پتہ پر جانا ھی

معنی: می خواهم به این نشانی بروم.

मीटर से चलिए

تلفظ: میٹر سہ چلیہ

معنی: لطفاً با تاکسی متر حرکت کنید.

किराया कितना होगा?

تلفظ: کیرایا کیتنا ہوگا؟

معنی: کرایہ چقدر می شود؟

यहीं रोक दीजिए

تلفظ: یہین روک دیجیہ

معنی: لطفاً ہمیں جا نگہ دارید.

सीधे जाइए, फिर बाएँ मुड़िए

تلفظ: سیدہ جایہ، پھیر باپن موڑیہ

معنی: مستقیم بروید و بعد بہ چپ بپیچید.

दाएँ हाथ पर दुकान है

تلفظ: داین ہاتہ پر دوکان ھی

معنی: فروشگاه سمت راست قرار دارد.

क्या यह बस बाजार जाती है?

تلفظ: کیا یہ بس بازار جاتی ھی؟

معنی: این اتوبوس بہ بازار می رود؟

मुझे अगला पड़ाव बता दीजिए

تلفظ: موجه آگلا پڑاو بتا دیجیہ

معنی: لطفاً ایستگاه بعدی را بہ من بگویید.

मैं रास्ता भूल गया हूँ

تلفظ: مین راستا بھول گیا ہوں

معنی: راہم را گم کردہام؛ گویندہ مرد.

वापसी का टिकट भी चाहिए

تلفظ: واپسی کا ٹیگٹ بھی چاہیہ

معنی: بلیت برگشت ہم می خواہم.

پیش از پرداخت درباره مالیات، صبحانه، ساعت تحویل اتاق و امکان بازپرداخت سؤال کنید.

मैंने एक कमरा बुक किया है

تلفظ: مین نه اک کمره بوک کیا هی

معنی: یک اتاق رزرو کرده‌ام.

आरक्षण मेरे नाम पर है

تلفظ: آرکشن میره نام پر هی

معنی: رزرو به نام من است.

क्या नाश्ता शामिल है?

تلفظ: کیا ناشتا شامل هی؟

معنی: آیا صبحانه شامل هزینه می‌شود؟

कमरे में गर्म पानी नहीं है

تلفظ: کمره مین گرم پانی نهین هی

معنی: اتاق آب گرم ندارد.

चादर बदल दीजिए

تلفظ: چادر بدل دیجیه

معنی: لطفاً ملحفه را عوض کنید.

वाईफाई का पासवर्ड क्या है?

تلفظ: وای‌فای کا پاس‌ورد کیا هی؟

معنی: رمز وای‌فای چیست؟

मुझे शांत कमरा चाहिए

تلفظ: موجه شانت کمره چاهیه

معنی: اتاق آرام می‌خواهم.

चेकआउट कितने बजे है?

تلفظ: چک‌آوت کیتنه بجه هی؟

معنی: تحویل اتاق چه ساعتی است؟

क्या मैं एक रात और रुक सकता हूँ?

تلفظ: کیا مین اک رات اور روک سکتا هون؟

معنی: می‌توانم یک شب دیگر بمانم؟

कुल बिल में कर शामिल है?

تلفظ: کول بیل مین کر شامل هی؟

معنی: آیا مالیات در صورت‌حساب نهایی محاسبه شده است؟

मेरी रसीद दे दीजिए

تلفظ: مری رسید ده دیجیه

معنی: لطفاً رسیدم را بدهید.

شدت تندی، مواد غذایی و حساسیت را پیش از سفارش روشن کنید؛ «بینا» یعنی بدون و «گم» یعنی کمتر.

मुझे शाकाहारी खाना चाहिए

تلفظ: موجه شاکاهاری کھانا چاہیہ

معنی: غذای گیاهی می‌خواهم.

इसमें मांस या अंडा है?

تلفظ: ایس مین مانس یا آندا ہی؟

معنی: آیا این غذا گوشت یا تخم‌مرغ دارد؟

मिर्च कम रखिए

تلفظ: میرچ کم رکھیہ

معنی: فلفل کمتری بریزید.

बिना प्याज और लहसुन के

تلفظ: بینا پیاز اور لسن کے

معنی: بدون پیاز و سیر.

मुझे दूध से एलर्जी है

تلفظ: موجه دودہ سہ آلرچی ہی

معنی: بہ شیر حساسیت دارم.

पीने का साफ पानी मिलेगा?

تلفظ: پینہ کا صاف پانی ملیگا؟

معنی: آب آشامیدنی سالم دارید؟

यह खाना बहुत तीखा है

تلفظ: یہ کھانا بھوت تیکھا ہی

معنی: این غذا خیلی تند است.

एक और रोटी ले आइए

تلفظ: اک اور روتی لہ آئیہ

معنی: یک نان دیگر بیاورید.

पैक कर दीजिए

تلفظ: پک کر دیجیہ

معنی: لطفاً برای بیرون‌بر بسته‌بندی کنید.

बिल अलग-अलग बनाइए

تلفظ: بیل آگ آگ بناہ

معنی: صورت‌حساب‌ها را جداگانه حساب کنید.

खाना बहुत स्वादिष्ट था

تلفظ: کھانا بھوت سوادیشٹ تھا

معنی: غذا خیلی خوشمزه بود.

قیمت نهایی را همراه هزینه ارسال و مالیات بپرسید و برای کالاهای گران قیمت رسید مکتوب بگیرید.

इसकी आखिरी कीमत क्या है?

تلفظ: ایسکی آخری قیمت کیا ہے؟

معنی: آخرین قیمت این کالا چقدر است؟

थोड़ा कम कर दीजिए

تلفظ: تھوڑا کم کر دیجیہ

معنی: لطفاً کمی ارزان تر حساب کنید.

दूसरा रंग दिखाइए

تلفظ: دوسرا رنگ دیکھائیہ

معنی: رنگ دیگری نشان بدهید.

क्या यह असली है?

تلفظ: کیا یہ اصلی ہے؟

معنی: آیا اصل است؟

मुझे बड़ा आकार चाहिए

تلفظ: موچہ بڑا آکار چاہیہ

معنی: سائز بزرگ تر می خواهم.

क्या मैं इसे पहनकर देख सकता हूँ?

تلفظ: کیا مین ایسہ پہن کر دیکھ سکتا ہوں؟

معنی: می توانم آن را امتحان کنم؟

इस पर कोई छूट है?

تلفظ: ایس پر کوئی چھوٹ ہے؟

معنی: برای این کالا تخفیف هست؟

अगर खराब निकला तो बदल देंगे?

تلفظ: اگر خراب نیکلا تو بدل دینگہ؟

معنی: اگر خراب بود تعویض می کنید؟

मुझे पक्की रसीद चाहिए

تلفظ: موچہ پکی رسید چاہیہ

معنی: رسید معتبر می خواهم.

मैं अभी सिर्फ देख रहा हूँ

تلفظ: مین ابھی صیرف دیکھ رہا ہوں

معنی: فعلاً فقط دارم نگاه می کنم.

यह मेरे बजट से बाहर है

تلفظ: یہ مرہ بجٹ سہ باہر ہے

معنی: این کالا خارج از بودجه من است.

پیش از تبدیل ارز، نرخ واقعی، کارمزد و مدارک موردنیاز را بپرسید و اطلاعات محرمانه کارت را در اختیار دیگران نگذارید.

नजदीकी एटीएम कहाँ है?

تلفظ: نَزْدِیکی ای-تی-ام کَہان هَی؟

معنی: نزدیک ترین خودپرداز کجاست؟

मुझे पैसे बदलवाने हैं

تلفظ: مَوْجہ پَیسہ بَدَلوانہ هَین

معنی: می خواهم پول تبدیل کنم.

आज डॉलर का भाव क्या है?

تلفظ: آج دَالَر کا بھاو کیا هَی؟

معنی: نرخ دلار امروز چقدر است؟

क्या कार्ड से भुगतान होगा?

تلفظ: کیا کارْد سہ بھوگْتان هوگا؟

معنی: می شود با کارت پرداخت کرد؟

मेरे पास छुट्टे नहीं हैं

تلفظ: مِرہ پاس چھوٹّہ نَہین هَین

معنی: پول خُرْد ندارم.

लेनदेन पूरा नहीं हुआ

تلفظ: لَین دَین پُورا نَہین هُوآ

معنی: تراکنش کامل نشد.

पैसे खाते से कट गए

تلفظ: پَیسہ کھااتہ سہ کُت گَیہ

معنی: مبلغ از حساب کم شده است.

कृपया शुल्क पहले बताइए

تلفظ: کَرِیپِیا شوْلک پَہْلہ بَٹایہ

معنی: لطفاً کارمزد را از قبل اعلام کنید.

मुझे भुगतान का प्रमाण चाहिए

تلفظ: مَوْجہ بھوگْتان کا پَرْمان چاہیہ

معنی: رسید یا مدرک پرداخت می خواهم.

मेरा कार्ड काम नहीं कर रहा

تلفظ: مِرا کارْد کام نَہین کَر رَہا

معنی: کارتم کار نمی کند.

बकाया रकम कितनी है?

تلفظ: بَقایا رَقْم کِیتنی هَی؟

معنی: مانده مبلغ چقدر است؟

در موقعیت درمانی، علائم، زمان شروع مشکل و حساسیت دارویی را روشن توضیح دهید؛ در شرایط جدی فوراً کمک حضوری بگیرید.

मुझे डॉक्टर से मिलना है

تلفظ: موجه داکتر سه میلنا هَی

معنی: باید پزشک را ببینم.

मुझे तेज बुखार है

تلفظ: موجه تیز بوخار هَی

معنی: تب بالا دارم.

मेरे पेट में दर्द है

تلفظ: مِرِه پَت مِین دَرَد هَی

معنی: شکمم درد می‌کند.

मुझे साँस लेने में कठिनाई है

تلفظ: موجه سانس لینِه مِین کَتِهینایی هَی

معنی: در نفس کشیدن مشکل دارم.

यह तकलीफ कल से है

تلفظ: یِه تَکلیف کَل سه هَی

معنی: این مشکل از دیروز شروع شده است.

मुझे इस दवा से एलर्जी है

تلفظ: موجه ایس دوا سه اَلرَجی هَی

معنی: به این دارو حساسیت دارم.

दवा दिन में कितनी बार लूँ?

تلفظ: دَوا دِین مِین کِیتنی بار لون؟

معنی: دارو را روزی چند بار مصرف کنم؟

खाने से पहले या बाद में?

تلفظ: کِهانه سه پَهله یا باد مِین؟

معنی: قبل از غذا یا بعد از غذا؟

पास का अस्पताल कहाँ है?

تلفظ: پاس کا اَسپتال کِهان هَی؟

معنی: بیمارستان نزدیک کجاست؟

कृपया तुरंत एंबुलेंस बुलाइए

تلفظ: کَرِپِیا تُوَرَنَت اَمبولانس بولاِیِه

معنی: لطفاً فوراً آمبولانس خبر کنید.

क्या यहाँ अंग्रेजी बोलने वाला डॉक्टर है?

تلفظ: کیا یِهان اَنگَرِیزی بولَنه والا داکتر هَی؟

معنی: اینجا پزشک انگلیسی‌زبان هست؟

برای تهیه سیم‌کارت درباره مدرک هویتی، مدت فعال‌سازی، حجم بسته و اعتبار شماره سؤال کنید.

मुझे स्थानीय सिम कार्ड चाहिए

تلفظ: موجه سُتْهانیه سیم کازْد چاهیه

معنی: سیم‌کارت محلی می‌خواهم.

सिम कब तक चालू होगी?

تلفظ: سیم کَب تَک چالو هوگی؟

معنی: سیم‌کارت چه زمانی فعال می‌شود؟

इंटरनेट बहुत धीमा है

تلفظ: اینْتَرْنِت بَهِوت دَهِیما هَی

معنی: اینترنت خیلی کند است.

मेरा डेटा खत्म हो गया

تلفظ: مِرا دِیتا خَتَم هو گیا

معنی: حجم اینترنت من تمام شده است.

मुझे मोबाइल रिचार्ज करना है

تلفظ: موجه موبایل رِیچارْج کَرنا هَی

معنی: می‌خواهم تلفنم را شارژ کنم.

कृपया मुझे संदेश भेजिए

تلفظ: کَرِپِیا موجه سَنْدِیش بَهِجِیه

معنی: لطفاً برایم پیام بفرستید.

नेटवर्क नहीं आ रहा

تلفظ: نِتَوَرْک نَهِین آ رَها

معنی: آنتن یا شبکه در دسترس نیست.

आपकी आवाज साफ नहीं आ रही

تلفظ: آپکی آواز صاف نَهِین آ رَهِی

معنی: صدای شما واضح نیست.

मैं बाद में फोन करूँगा

تلفظ: مَین باد مِین فون کَرُونْگا

معنی: بعداً تماس می‌گیرم؛ گوینده مرد.

अपना नंबर लिख दीजिए

تلفظ: اَپنا نَمْبَر لِیکه دِجِیه

معنی: لطفاً شماره‌تان را بنویسید.

यह लिंक खुल नहीं रहा

تلفظ: یَه لِیْنْک کَهِول نَهِین رَها

معنی: این لینک باز نمی‌شود.

در اجاره خانه درباره ودیعه، هزینه آب و برق، زمان پرداخت و شرایط فسخ قرارداد سؤال کنید.

मुझे किराए पर कमरा चाहिए

تلفظ: موجه کیرایه پَر کَمرا چاهیه

معنی: اتاق اجاره‌ای می‌خواهم.

महीने का किराया कितना है?

تلفظ: مَهِینه کا کیرایا کیتنا هَی؟

معنی: اجاره ماهانه چقدر است؟

जमानत कितनी देनी होगी?

تلفظ: ضَمَانَت کیتنی دینی هوگی؟

معنی: ودیعه چقدر است؟

बिजली और पानी का बिल अलग है?

تلفظ: بیجلی اور پانی کا بیل آگ هَی؟

معنی: هزینه برق و آب جداست؟

समझौता कितने महीने का है?

تلفظ: سَمْجَهوتا کیتنه مَهِینه کا هَی؟

معنی: قرارداد چندماهه است؟

नल से पानी टपक रहा है

تلفظ: نَل سه پانی تَپک رَها هَی

معنی: شیر آب چکه می‌کند.

दरवाजे का ताला खराब है

تلفظ: دَرِوازه کا تالا خَراب هَی

معنی: قفل در خراب است.

कृपया मिस्त्री भेज दीजिए

تلفظ: کَرِپِیا میسْتری بهیج دیجِیْه

معنی: لطفاً تعمیرکار بفرستید.

रात को थोड़ा शोर कम रखिए

تلفظ: رات کو تَهوڑا شور کَم رَکھیْه

معنی: لطفاً شب سروصدا را کمتر کنید.

मैं किराया समय पर दूँगा

تلفظ: مَین کیرایا سَمَی پَر دونْگا

معنی: اجاره را به‌موقع پرداخت می‌کنم.

घर खाली करने की सूचना कब दूँ?

تلفظ: گَهر خالی کَرنه کی سوچْنا کَب دون؟

معنی: چه زمانی باید تخلیه خانه را اطلاع بدهم؟

در گفت‌وگو با استاد، درخواست را محترمانه بیان کنید و زمان تحویل، شیوه نمره‌دهی و منبع مطالعه را دقیق پرسید.

आज की कक्षा किस कमरे में है?

تلفظ: آج کی ککشا کیس کمره مین هی؟

معنی: کلاس امروز در کدام اتاق برگزار می‌شود؟

क्या आप यह शब्द समझा सकते हैं?

تلفظ: کیا آپ یہ شَبْد سَمْجھا سکتے ہیں؟

معنی: ممکن است این واژه را توضیح بدهید؟

मुझे इसका उच्चारण नहीं आता

تلفظ: موجه ایسکا اوچّارَن نہین آتا

معنی: تلفظ این واژه را بلد نیستم.

कृपया बोर्ड पर लिख दीजिए

تلفظ: کریپیا بورڈ پر لیکھ دیجیہ

معنی: لطفاً روی تخته بنویسید.

गृहकार्य कब जमा करना है?

تلفظ: گریه‌کاریہ کب جَمَا کرنا ہی؟

معنی: تکلیف را چه زمانی باید تحویل بدهیم؟

परीक्षा में कौन से अध्याय आएंगे?

تلفظ: پَریکشا مین کون سہ ادھیای آینگے؟

معنی: چه فصل‌هایی در امتحان می‌آید؟

मैं एक दिन अनुपस्थित था

تلفظ: مَین اِک دین اَنوِپِستِھیت تھا

معنی: یک روز غایب بودم؛ گوینده مرد.

क्या मैं नोट्स की तस्वीर ले सकता हूँ?

تلفظ: کیا مَین نوٹس کی تَصویر لہ سکتا ہوں؟

معنی: می‌توانم از جزوه عکس بگیرم؟

मुझे बातचीत का अभ्यास करना है

تلفظ: موجه بات‌چیت کا اَبھیاس کرنا ہی

معنی: می‌خواهم مکالمه تمرین کنم.

मेरी गलती सुधार दीजिए

تلفظ: مَری غَلّتی سوڈھار دیجیہ

معنی: لطفاً اشتباهم را اصلاح کنید.

इस वाक्य का मतलब क्या है?

تلفظ: ایس واکی کا مَتَلَب کیا ہی؟

معنی: معنی این جمله چیست؟

برای مکاتبه کاری، زمان دقیق، مسئول انجام کار و شیوه پیگیری را مشخص کنید تا درخواست مبهم نماند.

बैठक कितने बजे शुरू होगी?

تلفظ: بَیْتَهَک کیتنه بَجه شروع هوگی؟

معنی: جلسه چه ساعتی شروع می‌شود؟

मैं समय पर पहुँच जाऊँगा

تلفظ: مَین سَمَی پَر پَهونچ جاوَنگا

معنی: به موقع می‌رسم.

मुझे रिपोर्ट पूरी करने के लिए समय चाहिए

تلفظ: موجه ریپورت پوری کَرنه که لیه سَمَی چاهیه

معنی: برای تکمیل گزارش زمان لازم دارم.

कृपया काम की सीमा स्पष्ट कीजिए

تلفظ: کریپیا کام کی سیما سَپَشت کیجیہ

معنی: لطفاً محدوده کار را روشن کنید.

यह जिम्मेदारी किसकी है?

تلفظ: یِه ذِیمَہ داری کیسکی هَی؟

معنی: این مسئولیت بر عهده چه کسی است؟

मैं आपको आज शाम तक जवाब दूँगा

تلفظ: مَین آپ کو آج شام تَک جَوَاب دوَنگا

معنی: تا عصر امروز به شما پاسخ می‌دهم.

क्या समय सीमा बढ़ सकती है?

تلفظ: کیا سَمَی سیما بَیه سَکتی هَی؟

معنی: امکان تمدید مهلت وجود دارد؟

हमें इस प्रस्ताव पर फिर विचार करना चाहिए

تلفظ: هَمَین ایس پُرستاو پَر پَهر وِچار کَرنا چاهیه

معنی: باید این پیشنهاد را دوباره بررسی کنیم.

कृपया दस्तावेज साझा कर दीजिए

تلفظ: کریپیا دَستاوِیز ساجها کَر دیجیہ

معنی: لطفاً مدارک را به اشتراک بگذارید.

मैं इस मुद्दे से सहमत नहीं हूँ

تلفظ: مَین ایس موَدَہ سه سَهَمَت نَهین هون

معنی: با این موضوع موافق نیستم.

चलो अगले कदम तय करें

تلفظ: چَلو اَگلَه کَدَم تَی کَرین

معنی: بیایید مراحل بعدی را مشخص کنیم.

«نه» گفتن مودبانه معمولاً همراه یک دلیل کوتاه یا پیشنهاد زمان دیگر طبیعی‌تر است.

क्या आप कल खाली हैं?

تلفظ: کیا آپ کل خالی ہیں؟

معنی: فردا وقت آزاد دارید؟

मैं आपको चाय पर बुलाना चाहता हूँ

تلفظ: مین آپ کو چای پر بولانا چاہتا ہوں

معنی: می‌خواهم شما را به چای دعوت کنم.

निमंत्रण के लिए बहुत धन्यवाद

تلفظ: نیمَنُتَرَن کہ لیہ بھوت دھنُیواد

معنی: از دعوت شما بسیار سپاسگزارم.

माफ कीजिए, मैं नहीं आ पाऊँगा

تلفظ: معاف کیجیہ، مین نہین آ پاؤنگا

معنی: ببخشید، نمی‌توانم بیایم.

किसी और दिन मिलते हैं

تلفظ: کیسی اور دین میلته ہیں

معنی: یک روز دیگر همدیگر را می‌بینیم.

आपकी मदद मेरे लिए जरूरी थी

تلفظ: آپکی مدد میرہ لیہ ضروری تھی

معنی: کمک شما برای من مهم بود.

मैं इस बारे में बात नहीं करना चाहता

تلفظ: مین ایس بارہ مین بات نہین کرنا چاہتا

معنی: نمی‌خواهم درباره این موضوع صحبت کنم.

कृपया मेरी बात बीच में मत काटिए

تلفظ: کریپیا مری بات بیچ مین مت کاٹیہ

معنی: لطفاً وسط حرفم نپرید.

मुझे थोड़ा अकेला समय चाहिए

تلفظ: موچہ تھوڑا اکیلا سَمی چاہیہ

معنی: کمی زمان برای تنها بودن لازم دارم.

आपकी भावना मैं समझता हूँ

تلفظ: آپکی بہاونا مین سَمجھتا ہوں

معنی: احساس شما را درک می‌کنم.

गलतफहमी दूर करना जरूरी है

تلفظ: غَلت فہمی دور کرنا ضروری ہی

معنی: برطرف کردن سوءتفاهم ضروری است.

ابتدا مشکل را دقیق و بدون تنش بیان کنید؛ سپس راه حل، زمان رسیدگی و نام مسئول پیگیری را بپرسید.

यह वैसा नहीं है जैसा बताया गया था

تلفظ: یِه وَیسا نَہین هَی جَیسا بَتا یا گیا تھا

معنی: این همان چیزی نیست که توضیح داده شده بود.

मेरे बिल में गलती है

تلفظ: مَرِه بیل مین غَلَتی هَی

معنی: در صورت حساب من اشتباه وجود دارد.

मुझसे ज्यादा पैसे लिए गए

تلفظ: مَوَجه سَه زیاده پَیسَه لیَه گَیَه

معنی: از من پول بیشتری گرفته اند.

मैं इसकी शिकायत दर्ज कराना चाहता हूँ

تلفظ: مَین ایسکی شِیکَا یَت دَرَج کرانا چاهُتا هون

معنی: می خواهم برای این موضوع شکایت ثبت کنم.

मुझे प्रबंधक से बात करनी है

تلفظ: مَوَجه پُر بَنَدَک سَه بات کرنی هَی

معنی: می خواهم با مدیر صحبت کنم.

कृपया लिखित जवाब दीजिए

تلفظ: کَرِپِیا لیکهیت جَوَاب دیجِیَه

معنی: لطفاً پاسخ مکتوب بدهید.

समस्या कब तक हल होगी?

تلفظ: سَمَسْیا کَب تَک هَل هوگی؟

معنی: مشکل تا چه زمانی حل می شود؟

मेरा सामान टूट गया है

تلفظ: مِرا سامان تُوَت گیا هَی

معنی: وسیله من شکسته است.

मुझे पैसे वापस चाहिए

تلفظ: مَوَجه پَیسَه واپَس چاهِیَه

معنی: بازپرداخت وجه می خواهم.

इस मामले का जिम्मेदार कौन है?

تلفظ: ایس مامْلَه کا ذِیْمَه دار کَوْن هَی؟

معنی: مسئول رسیدگی به این موضوع چه کسی است؟

हम शांत तरीके से समाधान ढूँढ सकते हैं

تلفظ: هَم شانت طَرِیقه سَه سَمادْهان دِهونْدُ سَکتَه هَین

معنی: می توانیم مسئله را آرام و منطقی حل کنیم.

این عبارت‌ها مکالمه را طبیعی‌تر می‌کنند و برای خرید، کلاس، سفر و گفت‌وگوهای دوستانه قابل استفاده‌اند.

जहाँ तक मुझे पता है

تلفظ: جَهان تَک موجه پَتا هَی

معنی: تا جایی که من می‌دانم.

अगर मैं सही समझा हूँ

تلفظ: اَگر مَین صَحیح سَمَجهَا هُون

معنی: اگر درست متوجه شده باشم.

दूसरे शब्दों में

تلفظ: دُوسَره شَبْدُون مَین

معنی: به عبارت دیگر.

असल बात यह है कि

تلفظ: اَصَل بات یَه هَی کی

معنی: اصل ماجرا این است که.

इसका मतलब यह नहीं कि

تلفظ: ایسکا مَتَلَب یَه نَهِین کی

معنی: این به آن معنا نیست که.

एक तरफ यह सही है, लेकिन

تلفظ: اک طَرَف یَه صَحیح هَی، لیکن

معنی: از یک نظر درست است، اما.

फिलहाल इतना ही काफी है

تلفظ: فیلْحال ایْتْنا هَی کافی هَی

معنی: فعلاً همین اندازه کافی است.

बात समझ में आ गई

تلفظ: بات سَمَجه مَین آ گَی

معنی: موضوع را متوجه شدم.

मुझे थोड़ा सोचने दीजिए

تلفظ: موجه تَهورْا سوچْنه دیجِیَه

معنی: اجازه بدهید کمی فکر کنم.

यह स्थिति पर निर्भर करता है

تلفظ: یَه شَتهیتی پَر نیرْبهَر کَرْتَا هَی

معنی: به شرایط بستگی دارد.

अब बात बिल्कुल साफ है

تلفظ: اَب بات بیلْکول صاف هَی

معنی: حالا موضوع کاملاً روشن است.